



دکتر مرتضی مجدفر

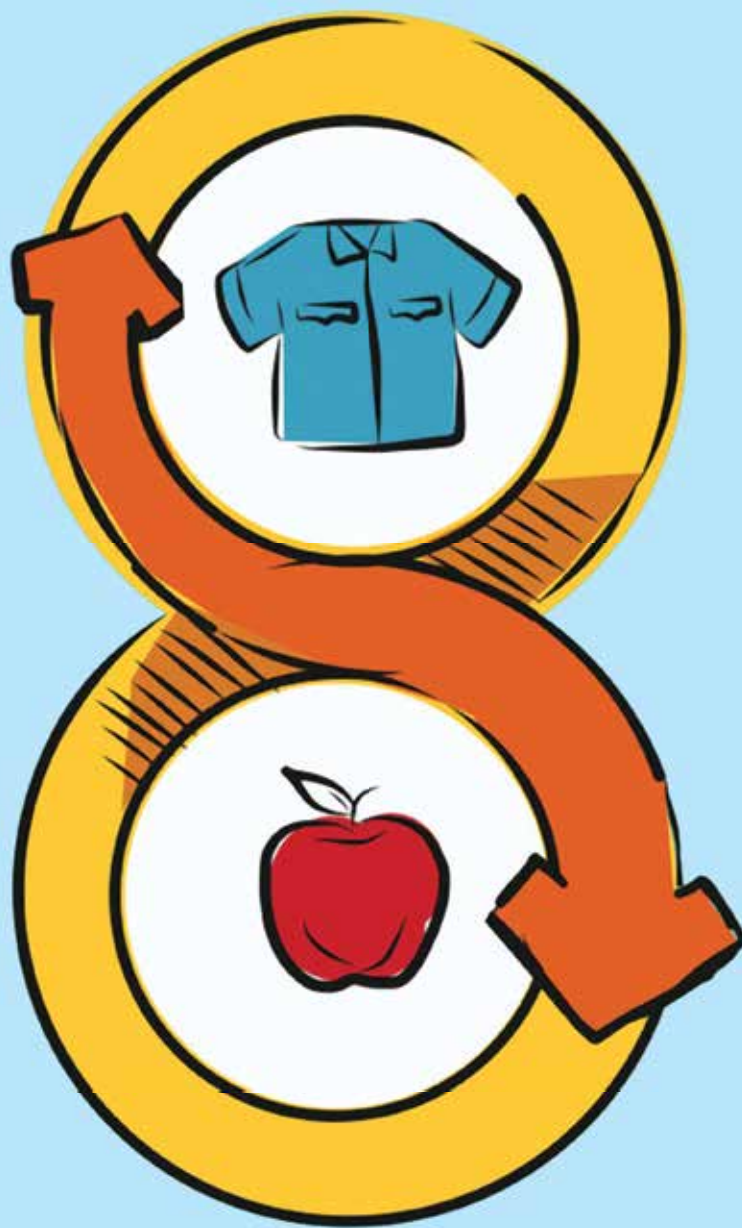
اغلب دانش آموزان دبستانی، مبلغی از پدر و مادر خود به عنوان پول توجیبی دریافت می کنند و حتی ممکن است از پایه چهارم به بعد، برخی از خریدهای منزل هم به آنها سپرده شود. لذا آشنا کردن آنان با اندکی از مفاهیم اقتصادی، دخل و خرج و مدیریت مالی ضروری است. پیشنهاد ما این است که در آموزش این مفاهیم، به جای پرداختن به نظریه ها و تعریف ها، بحث ها را با داستان و تمثیل و نیز طرح مسئله و پرسش از بچه ها پیش ببرید. بعد از آنها بخواهید هر پرسشی را که شما مطرح می کنید، هر وقت فرصت کردند، با دوستان خود به بحث و گفت و گو بگذارند. بدیهی است در شرایط حاضر که بخش یا همه ی آموزش های مدرسه ای به فضای مجازی کشانده شده است، استفاده از فرصت های این فضا، برای دامن زدن به این موضوع در قالب فعالیت های فرهنگی مناسب تر خواهد بود.

کلیدواژه ها: کسب و کار، سواد مالی، دانش آموزان

آشنایی با مفهوم داد و ستد و کسب و کار از آغاز تا کنون

● ابتدا داستان پول^۱ را که در اینجا می آید، برای دانش آموزان بخوانید:

در زمان های قدیم، مرد کفاشی، کفش هایی را که می دوخت، با چیزهایی که لازم داشت عوض می کرد. به نانو کفش می داد و به جایش از او نان می گرفت. به شکارچی کفش می داد و از او گوشت می گرفت. اما این کار بی دردسر هم نبود. یک روز که پیش نانو رفت تا از او نان بگیرد، نانو گفت: «من به کفش احتیاجی ندارم. کوزه سفالی من شکسته است، یک کوزه بیاور و به جایش نان ببر!»



گوشت بده، کوزه بگیر!

آشنا کردن دانش آموزان با کسب و کار و مدیریت مالی

● **داستان زیر را برای بچه‌ها بخوانید و در مورد آن، با توجه به پرسش‌های داده شده، گفت‌وگویی کلاسی راه بیندازید.**

خرید از فروشگاه‌های بزرگ به همراه خانواده.

ریحانه، به همراه مادر و پدرش در یک شهر بزرگ زندگی می‌کنند. او پایه ششمی است. آن‌ها اکثر ملزومات مورد نیاز خود در طول یک هفته را روز جمعه از فروشگاه زنجیره‌ای بزرگی خرید می‌کنند. رفتن به این فروشگاه به دلیل بزرگی آن، راهروها و غرفه‌های فراوان و محصولات متنوعی که دارد، مورد علاقه ریحانه و برادر کوچک‌تر او بود. او هر چیزی را که دوست داشت، از قفسه‌ها برمی‌داشت و در داخل سبد چرخ‌داری می‌انداخت. ولی از موقعی که کمی بزرگ‌تر شد، و از دوره اول ابتدایی گذر کرد، پدرش گفت او اجازه ندارد هر چیزی را که خوشش آمد، داخل سبد بیندازد و کل مبلغ کالاهای او نباید از رقم مشخصی، که مادر و پدرش تعیین کرده بودند، بیشتر شود.

ریحانه این شرایط را دوست ندارد، چون پدرش چیزهایی را که او انتخاب کرده است، جداگانه به صندوق‌دار می‌دهد و اگر مبلغشان از مقدار مشخصی بیشتر شود، او را وامی‌دارد بین چیزهایی که انتخاب کرده است، اولویت‌بندی کند. پدر می‌گوید کل خرید ما برای خانواده‌ی ۴ نفری خودمان این مقدار، و سهم اختصاصی تو هم این مقدار است.

ریحانه، اوایل مقاومت کرد، حتی قهر کرد. ولی پدرش گفت این‌طوری چیزی درست نمی‌شود، فقط سهم اختصاصی خودت از خرید هفتگی را از دست می‌دهی. ولی وقتی استدلال پدر را دید، به تدریج دست از مقاومت برداشت و به سهم خود قانع شد. او اکنون حتی برخی از خریدهای مربوط به خانواده را هم از سبد برمی‌دارد و به غرفه یا قفسه برمی‌گرداند و می‌گوید این چیزی که برداشتیم، جزو ضروریات زندگی نیست و می‌تواند هزینه نشود. یکی دیگر از حساسیت‌های ریحانه، جایگزین کردن کالاهای ایرانی با کالاهای خارجی است که اعضای دیگر خانواده در سبد خرید می‌گذارند. او یک بار

مردم برای اینکه پول زیادی همراه خود ببرند، دچار مشکل می‌شدند. باز نشستند و تصمیم گرفتند از پول‌های کاغذی استفاده کنند. اسم آن را هم اسکناس گذاشتند تا سبک باشد و بتوانند به راحتی پول زیادی را همراه خود ببرند.

پرسش‌هایی برای بحث و تبادل نظر با دوستان خود

از بچه‌ها پرسید:

۱. اگر مجبور شوید چیزی را جایگزین پول کنید، به جای ارائه پول، چه کارها یا چیزهایی را پیشنهاد می‌دهید؟
 ۲. فکر می‌کنید در آینده ممکن است چه چیزی جایگزین پول امروزی شود؟ در متن داستان گفته می‌شود معامله‌ی پایاپای، به تدریج به معامله با سکه و سپس اسکناس تبدیل شد. آیا در حال حاضر ابزار جدیدی برای معامله سراغ دارید؟
 ۳. اگر دو میلیون تومان پول داشته باشید، با آن چه کارهایی انجام می‌دهید؟ راهنمایی: اگر می‌خواهید بدانید چنانچه دیگران دو میلیون تومان پول داشته باشند، چه می‌کنند، نشانی زیر را در بخش جست‌وجوی رایانه یا تلفن همراه خود وارد کنید و متن را بخوانید.

http://www.roshdmag.ir/Roshdmag_content/media/article/۹۹۳.pdf

کفاش نزد کوزه‌گر رفت و از او کوزه خواست. کوزه‌گر به او گفت: «من هم به کفاش احتیاج ندارم، ولی کمی گوشت لازم دارم. اگر برایم گوشت بیاوری، به تو کوزه می‌دهم.»

کفاش نزد شکارچی رفت، ولی او هم کفاش لازم نداشت، ولی یک عدد چاقو می‌خواست. شکارچی گفت: «چاقوی من شکسته است، برایم یک چاقو بیاور تا به تو گوشت بدهم.»

کفاش نزد چاقوساز رفت، اما او هم کفاش نمی‌خواست. پیرمرد خسته شده بود. آیا برای به دست آوردن یک کالا بایانین هم‌سختی کشید؟

پیرمرد به میدان ده رفت، مردم را جمع کرد و مشکلش را گفت. همه‌ی مردم با او موافق بودند، چون آن‌ها هم دچار همین مشکل بودند. با خود گفتند باید راه‌حلی بیابیم. فردی از داخل جمعیت فریاد زد: «فهمیدم. باید چیزهایی را که به آن نیاز داریم، با طلا یا نقره یا یک چیز با ارزش دیگر که بتوان آن را مدتی طولانی نگه داشت، عوض کنیم.»

یکی گفت: «درست است! چون نان فاسد می‌شود، کاسه می‌شکند و... ولی طلا و نقره همیشه سالم می‌مانند.»

آن دیگری گفت: «آن‌ها را به اندازه‌ی یک بند انگشت می‌سازیم و اسمشان را هم سکه می‌گذاریم.»

همه خوشحال شدند و این کار را انجام دادند. از آن به بعد خرید کردن بسیار آسان شد.

سال‌ها گذشت، همه‌ی مردم برای کارهایشان از سکه استفاده می‌کردند، ولی به تدریج باز هم دچار مشکل شدند. وزن تعداد زیادی سکه، خیلی سنگین بود و



به پدرش که دو بسته از نوعی ماکارونی خارجی را در سبد گذاشته بود، اعتراض کرد و گفت: «پدرجان! اصلاً می‌دانی چند کارخانه‌ی خوب و با کیفیت ایرانی در زمینه‌ی تولید ماکارونی داریم؟!»

● پرسش‌هایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر با دوستان

(این تجربه مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی است. شما برای کودکان اول تا سوم چه داستانی پیشنهاد می‌کنید؟)

۱. آیا خرید هفتگی برای منزل را می‌پسندید؟ این روش چه مزایا و معایبی دارد؟
۲. عده‌ای می‌گویند وجود فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ مانعی برای کسب‌وکارهای کوچک و مغازه‌ها و فروشگاه‌های محلی است. آیا با این نظر موافق هستید؟ چرا؟
۳. آیا روش پدر ریحانه را که ریحانه فقط باید مبلغ مشخصی کالا بخرد، قبول دارید؟ کدام قسمت از کار او درست و کدام بخش آن نادرست است؟

۴. چرا ریحانه اول قهر و مقاومت کرد، ولی بعداً روش پدرش را پسندید؟

۵. آیا اگر پدر ریحانه اجازه نمی‌داد او در کودکی هم هر کالایی را انتخاب کند، درست‌تر نبود؟ به عبارت دیگر، این کار پدر ریحانه باعث نشده بود این رفتار ریحانه تا زمان رسیدنش به کلاس ششم، به عادت تبدیل شود؟

۶. آیا موافقت پدر ریحانه، حتی خرید کالا و حساب کردن اجناس مخصوص ریحانه را به خود او سپارد و او فقط به پدرش فاکتور خرید را نشان دهد؟

۷. به نظر شما برای مثال ریحانه چه کالاهایی را می‌توانست بردارد و بگوید: «لازم نیست این را بخریم، این جزو ضروریات زندگی نیست»؟

۸. در منزل، با بررسی وسایل و امکانات خودتان، مانند لوازم‌التحریر، لباس، خوردنی، وسایل برقی و غیره، ببینید چه قسمتی از آن‌ها ساخت داخل و چه قسمتی خارجی هستند. دلایل خرید این وسایل را به صورت مطلبی کوتاه بنویسید و بگویید در چه مواردی این امکان وجود دارد که فقط کالای ایرانی بخریم.

پی‌نوشت

۱. این داستان از کتاب «سواد مالی برای کودکان» نوشته‌ی دکتر محرم آقازاده از انتشارات مرآت برگرفته شده است.